

زن عصیانگر

مصاحبه‌ای با سیمون دوبووار



ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





سؤال - کتاب «سکس دوم» شما
تندروترین تجزیه و تحلیل از وضعیت زن
است. هیچ نویسنده‌ای تاکنون چنین پیشرو
نبوده است و می‌توان گفت شما الهام‌بخش
جنبش‌های جدید زنان بوده‌اید. اما بیست و
سه سال طول کشید تا شخصاً در مبارزه واقعی
و علی‌زنان شرکت کردید و در نوامبر گذشته
به راه‌پیمایی بین‌المللی آنها پیوستید.
به چه دلیل؟

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیمون دوبوووار - چون دیدم که وضعیت زن در فرانسه در طی بیست سال
گذشته واقعاً فرق نکرده است. در زمینه طلاق و ازده‌واج امتیازات کوچکی به دست
آورده است. روشهای جلوگیری از بارداری پیشرفت کرده است ولی به طور ناقص
چون فقط هفت درصد از زنان فرانسوی از قرص استفاده می‌کنند. دردنیای کار هم
امتیازات جدی نصیب او نشده است. شاید تعداد زنانی که کار می‌کنند بیشتر شده
باشد ولی این افزایش قابل توجه نیست. در هر حال به زنان اغلب کارهای بی‌اهمیت
سپرده می‌شود. بیشتر منشی هستند نه رئیس و اکثر پرستارند نه پزشک. عملاً
حرفه‌های مهم برای آنها قذغن است و از پیشرفتشان در داخل حرفه شان جلوگیری
می‌شود. تمام این ملاحظات باعث شد که در عقایدیم تجدید نظر کنیم و حالا معتقدیم اگر
زنان می‌خواهند که وضعیتشان عوض شود باید خودشان اقدام کنند. از طرفی دیگر
گروه‌های زنان که تا قبل از پیدایش نهضت آزادی زن در سال ۱۹۷۰ در فرانسه

وجود داشت اصلاح طلب بود و بدنبال تغییراتی در چهارچوب قانون می گشت . من هیچ تمایلی برای پیوستن به آنها نداشتم . نهضت جدید ، برعکس ، تندرو و مبارزه جو است . این نهضت دستورهای ۱۹۶۸ را قبول دارد . یعنی منتظر آینده نباشیم و بدون تأمل و درنگ وارد عمل شویم و وضع موجود را عوض کنیم . وقتی مبارزان این نهضت با من تماس گرفتند دیدم دوست دارم در کنارشان مبارزه کنم . آنها از من خواستند برای تهیه اعلامیه ای در مورد سقط جنین با آنها همکاری کنم . به نظر من کاری با ارزش آمد ، چون دیدم توجه را به مسئله سقط جنین که به صورت مفتضحی در فرانسه درآمده است جلب می کند . بنابراین خیلی طبیعی بود که وارد خیابان شوم و در راه پیمائی آنها شرکت کنم و شعارهای آنها را که عبارت بودند از سقط جنین آزاد و مجانی ، استفاده آزاد و مجانی از وسایل پیش گیری از بارداری و مادر شدن به دلخواه ، شعار خود بدانم .

سؤال - شما درباره وضعیت زن در فرانسه صحبت می کنید ، درحالی که از کشورهای سوسیالیستی دیدن کرده اید . آیا وضع زن در این کشورها تغییر کرده است ؟

سیمون دوبوووار - در این کشورها وضع کمی فرق می کند . مثلاً من از نزدیک وضع زنان را در کشور شوروی دیده ام . تقریباً همه آنها کار می کنند و آنهایی که کار نمی کنند (مثل زنهای بعضی از کارمندان عالیمقام یا افراد بسیار مهم) از طرف دیگران تحقیر می شوند . زنان شوروی به کار کردن افتخار می کنند ، مسئولیتهای سیاسی و اجتماعی قابل توجهی به عهده آنهاست و آنها از این مسئولیت آگاهند . با وجود این تعداد زنان صاحب قسوت در کمیته مرکزی یا در پارلمانها در مقایسه با تعداد مردها بسیار کم است . اکثراً در حرفه هایی که از حرفه مردها بی اهمیت تر و کسالت آورتر است به کار مشغولند . بیشتر آنها طیب هستند ، و با در نظر گرفتن اینکه حرفه طبابت مجانی است و خسته کننده و دولت پول خوبی هم به افراد این حرفه نمی دهد زنان را وارد حرفه طبابت یا تدریس می کنند و به دست آوردن مشاغل دیگر در زمینه علوم یا مهندسی و غیره برایشان مشکلتر است . از یک طرف در زمینه حرفه ای با مردها مساوی نیستند و از طرف دیگر ، مثل زنان سایر ممالک ، کار خانه و نگهداری بچه ها کاملاً به عهده آنهاست و این یکی از مواردی است که زنان نهضت آزادی بر علیه آن مبارزه می کنند .

مثلاً ، خیلی جالب است ، در کتاب «بخش سرطانی ها» نوشته سولژنیسین می بینیم که در بیمارستان زن طبیعی است که استاد بزرگی است و یکی از شخصیتهای عالیمقام علم طب است . این زن ، بعد از یک روز خسته کننده در بیمارستان ،

مریض‌هایش را ترك می‌کند و با عجله به خانه می‌رود تا برای شوهر و بچه‌هایش شام تهیه کند و ظروف کثیف را بشوید. و بازم همین زن است که ساعتها در جلوی مغازه‌ها توی صف می‌ایستد و بروظائف حرفه‌اش که به حد کافی سنگین است کار درخانه هم اضافه شده‌است. حتی می‌توان گفت که در شوروی سنگینی این وظائف بیشتر بردوش زن حس می‌شود. چون زنی با این شرایط در فرانسه حتماً مستخدم دارد. پس وضع زن در شوروی به يك مفهوم هم بهتر است و هم مشکلتر. نتیجه اینکه در شوروی هم تساوی زن و مرد تحقق نیافته است.

سؤال - علت آن چیست؟

سیمون دوبووار - اول اینکه کشورهای سوسیالیستی به معنای حقیقی سوسیالیست نیستند. در هیچ کجا نتوانسته‌اند جامعه‌ای سوسیالیستی ایجاد کنند تا آنطور که مارکس آرزو می‌کرد انسان را تغییر دهد. وسایل تولید تغییر کرده‌اند ولی هر روز بیشتر می‌بینیم که تغییر روابط تولید برای تغییر جامعه و انسان کافی نیست. در نتیجه حتی در این نظام که از نظر اقتصادی نظامی متمایز است نقش‌های سنتی مرد و زن همچنان پایدار مانده است علتش هم این است که مردها آنچه را که من عقده برتری می‌نامم درونی کرده و آنرا امری ذاتی تلقی کرده‌اند و واقعاً خود را برتر می‌دانند. خیال هم ندارند دست از این تصور بردارند و برای بالا بردن ارزش خود زن را تحقیر می‌کنند. زن هم عادت کرده خود را پست‌تر از مرد ببیند و در نتیجه تعداد زنانی که وارد مبارزه شده‌اند چندان زیاد نیست.

سؤال - در مورد تعریف

Feminisme تعابیر مختلفی شده است.

باید دایره نظر شما را بدانم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیمون دوبووار در کتاب «حکایت زنان» «سکس دوم» اشاره کرده‌ام به اینکه از مبارزان آزادی زن نیستم. چون معتقد بودم که مسئله زن در جامعه سوسیالیست از میان خواهد رفت. منظور من از "Feminisme"، یا تلاش برای حقوق زن، این بود که انسان به خاطر ادعاهای مطلقاً زنانه و مستقل از مبارزه طبقاتی کوشش کند. من زنان یا مردانی را حافظ منافع زن می‌دانم که مبارزه‌شان برای تغییر وضع در ارتباط با مبارزه طبقاتی است. البته فکری کنم که این تغییر مستلزم تحول کامل جامعه است. به این مفهوم است که امروز خود را طرفدار آزادی زن می‌نامم. چون متوجه شده‌ام که نباید در انتظار جامعه‌ای سوسیالیست که همه ما آرزویش را می‌کنیم بنشینیم و دست روی دست بگذاریم. بلکه باید به خاطر بهبود شرایط فعلی و واقعی زن مبارزه کنیم. از طرف دیگر، حتی در کشورهای سوسیالیست هم برابری

زن و مرد وجود ندارد. پس زنان باید مسئول سرنوشت خود باشند. و به همین دلیل است که امروز خود را وابسته به این جنبش می‌دانم. ضمناً متوجه شده‌ام که در نهضت‌های چپی فرانسه، یا اصولاً در همه نهضت‌های چپی، یک عدم برابری عمیق بین زن و مرد وجود دارد. و فکرمی‌کنم خیلی از زنان به همین دلیل به جنبش آزادی زن پیوسته‌اند. در فعالیتهای احزاب چپی همیشه کارهای بی‌ارزش و کسل‌کننده به عهده زن است. مردها هستند که حرف می‌زنند، مقاله‌ها را تهیه می‌کنند و مهم‌ترین مسئولیت‌ها را به عهده می‌گیرند. پس حتی در باطن این نهضت‌های چپی که به وجود آمده‌اند تا دنیا را آزاد کنند، زنان و جوانان را آزاد کنند، زن همچنان حقیر باقی می‌ماند. نمی‌گویم همه، ولی بسیاری از مردان چپی، به طور خصمانه‌ای با آزادی و تساوی زن مخالفند. آنها زن را تحقیر می‌کنند و این حقارت را به رخ می‌کشند. اولین باری که اجتماعی کوچک از طرفداران آزادی زن در «ون سن» تشکیل شد یک عده از چپی‌ها در حالیکه فریاد می‌زدند که قدرت در آلت جنسی مرد است وارد سالن شدند. حالا در عقایدشان کمی تجدیدنظر کرده‌اند، آنهم به این علت که زنان مبارزه‌ای مستقل از آنها در پیش گرفته‌اند.

سوال - به طور کلی موضع شما در میان این نهضت‌های جدید، این زنان مبارزه‌جوی تندرو، کجاست؟

سیمون دوبووار - می‌دانید که در آمریکا، جایی که این نهضت در آن از سایر جاها پیشرفته‌تر است، تمایلات متفاوتی وجود دارد - از بیتی فریدان گرفته که بسیار محافظه‌کار است تا نهضتی به نام S.C.U.M. که معتقد به عقیم کردن کامل مردهاست. و بین این دو نظر عقاید و مواضع متعددی وجود دارد. در فرانسه هم تمایلات متفاوتی هست؛ اما تمایل من این است که مبارزه برای آزادی زن باید با مبارزه طبقاتی یکی شود. من فکر می‌کنم که مبارزه زن‌ها در عین حال که مبارزه‌ای شخصی و انفرادی است باید با مساعدت مردها همراه باشد. در نتیجه من با طرد کامل مرد مخالفم.

سوال - اکثر نهضت‌های آزادی زن در حال حاضر با این اصل موافقت می‌کنند که نباید به مردها اجازه ورود در داخل گروه‌ها را داد. نظر شما چیست؟

سیمون دوبووار - همانطور که گفتید این یک مرحله است و در حال حاضر کار صحیحی است به چند دلیل: اول اینکه اگر مردها را داخل گروه‌های خود نکنیم طبق عادت همیشگی می‌خواهند خود را برزنها تحمیل کنند و حاکم باشند. در زن هم نوعی شرم حضور وجود دارد که مانع می‌شود بتواند باشهامت نظر خود را

در بارهٔ مرد اعلام کند. خیلی از زن‌ها این موضوع را خوب می‌دانند حتی اگر آن را در مورد خودشان انکار کنند. در حالی که به نظر من باید متوجه شوند آنکسی که باید دربارهٔ آنها قضاوت کند شریک زندگی‌شان نیست چون از او هم باید خود را رها کنند.

سوال - منظورتان این است که زن بتواند چگونه استمار خود را بیان کند؟

سیمون دوبووار - بله. در هر حال فعلاً نه. طرز فکر مردان و نه طرز فکر زنان این اجازه را نمی‌دهد که موضوع اتحاد زن و مرد را در داخل گروه مطرح کنیم.

سوال - آیا این طرد فعلی مرد يك روش سیاسی نیست؟ چون مرد نه تنها نمایندگی نام موجود است بلکه شخصاً به صورت انفرادی زن را استمار می‌کند در این صورت آیا در مراحل اولیه دشمن اساسی محسوب می‌شود؟

سیمون دوبووار - بله. ولی موضوع کمی پیچیده است. چون به قول مارکس سرمایه‌داران قربانیان هم هستند. يك وقتی فکر می‌کردم که باید فقط با نظام موجود جنگید، برای اینکه آنها در این نظام شریکند. از آن بهره می‌برند و نباید از مجازات آنها گذشت، حتی اگر در به وجود آوردن این نظام دخالت نداشته باشند؛ مرد امروز نظام پدرسالاری را به وجود نیاورده ولی آن را به عنوان امری ذاتی پذیرفته، از آن استفاده می‌کند حتی اگر با آن مخالف باشد.

سوال - آیا شما با در نظر گرفتن تجربیاتان نسبت به مردها احساس نفرت کرده‌اید؟

سیمون دوبووار - نه. رابطهٔ من با مردانی که در زندگیم بوده‌اند همیشه بسیار خوب بوده است. خیلی از زنان را می‌شناسم که متعلق به جنبش آزادی زن هستند و نفرتی نسبت به مردها ندارند. منتهی رفتاری ناشی از احتیاط دارند و میل ندارند که بلعیده شوند.

سوال - فکر نمی‌کنید از نظر سیاسی بهتر باشد که زنان از این هم فراتر روند؟

سیمون دوبووار - شاید وجود زنانی تندرو و افراطی که مرد را بدکلی طرد می‌کنند چیز بدی نباشد. چون به دنبال اینها زنانی سازش‌کارتر خواهند آمد. بله. کاملاً امکان دارد.

سؤال - در بیشتر نهضت‌های زنان تمایلی نسبت به هم‌جنس‌گرایی وجود دارد. البته این موضوع علی‌رغم اینکه می‌خواهند شایع‌کننده امری همگانی است، کلیت ندارد. ولی این جریان تحرك وانگیزه خاصی به این جنبش بخشیده است. آیا فکر نمی‌کنید که هم‌جنس‌گرایی زنانه به عنوان شدیدترین نحوه طرد مرد بتواند سلاحی برای مبارزه دروضع فعلی باشد؟

سیمون دوبوووار - در این باره تعمق نکرده‌ام. البته فکر می‌کنم که اساساً بسیار خوب است که زنانی تندرو وجود داشته باشند. در اینصورت هم‌جنس‌گراها می‌توانند مفید باشند. ولی اگر اجازه دهند که این قبیل جانب‌داری‌ها بر آنها چیره شود آنوقت خطر این هست که جنس مخالف‌گراها از نهضت جدا شوند. من افسانه‌ای را که زنان هم‌جنس‌گرا دربارهٔ کلیتروس ساخته‌اند باور ندارم و عقاید جرمیشان را که می‌خواهند بر ما تحمیل کنند کسالت‌آور و خسته‌کننده می‌دانم.

سؤال - اولین دلیل آنها این است که در شرایط کنونی هرگونه رابطه‌ای با مرد باعث چیرگی و استیلای او بر زن می‌شود. به این دلیل است که رابطهٔ جنسی با مرد را رد می‌کنند. نظر شما چیست؟

سیمون دوبوووار - آیا واقعاً هر نوع رابطهٔ جنسی بین زن و مرد يك عمل استیلاجویانه از جانب مرد است؟ آیا بهتر نیست به جای طرد کامل این رابطه نوع آن را تغییر دهیم تا دیگر استیلاجویانه نباشد؟ من از این ادعا که هر نوع عمل جنسی را تجاوز به زن می‌داند چیزی نمی‌کنم و آن را باور ندارم. وقتی می‌گوئیم هر نوع عمل جنسی يك تجاوز است گرفتار افسانه مردانگی شده‌ایم، یعنی اینکه قدرت جنسی مرد شمشیری برنده است. درحالی‌که آنچه مهم است ایجاد روابطی جنسی است که استثمار‌گرانه نیست.

سؤال - شما همین الان داشتید از تجربیات فردی خود حرف می‌زدید. در کتاب «سکس دوم» گفته‌اید که زن بودن برای شما مسئله‌ای نبوده و شما همیشه توانسته‌اید دزبی‌غرضی و بی‌نظری کامل نسبت به این مسئله باشید. آیا می‌خواستید بگوئید که يك زن می‌تواند شخصاً از شرط زن بودنش

بگریزد؟ مقصود در زمینه کار و رابطه با دیگران است.

سیمون دوبووار - نه . کاملاً نمی تواند از شرایط زنانگیش بگریزد . من در هر حال يك بدن زنانه دارم . منظورم این بود که من شانس زیادی داشتم و از چنگ بسیاری بندگیها ، مثل مادر شدن یا زن خانه بودن ، گریختم . از طرف دیگر در دوره من تعداد زنانی که تحصیلات خود را ادامه می دادند زیاد نبود . موفقیت در امتحان های فلسفه یعنی به دست آوردن موقعیتی ممتاز در میان زنان . در نتیجه مردان خیلی سریع مرا پذیرفتند و با صمیمیت موجودیت مرا به عنوان زنی که مثل خودشان موفق شده است تثبیت کردند چرا که این وضع بسیار استثنائی بود . اما امروز تعداد زنانی که به دنبال تحصیلات جدی می روند زیاد شده است و مردان می ترسند که وجهه خود را از دست بدهند . به طور کلی اگر شما هم مثل من قبول کنید که يك زن برای خوشبخت شدن ناچار به ازدواج و بچه دار شدن نیست آنوقت تعداد زنانی که رها از اسارت های زنانه صاحب زندگی کاملی شده اند زیاد تر خواهد شد .

سوال - شما گفته اید که بزرگترین وثیقت در زندگی تان وجود سارتر بوده است؟

سیمون دوبووار - بله .

سوال - اما همیشه هم سخت نگران استقلال خود بوده اید و می ترسیدید از اینکه تحت نفوذ و استیلای دیگری باشید . با توجه به اینکه ایجاد رابطه مساوی بین زن و مرد از این حد مشکل است آیا موفق به ایجاد این رابطه شده اید؟

ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیمون دوبووار - بله . ولی اصولاً این مسئله مطرح نبود . چون سارتر آدمی استثمارگر نیست . در هر حال اگر کسی دیگری را جز سارتر دوست می داشتیم باز هم اجازه نمی دادم که استثمار شوم . خیلی از زنان با داشتن استقلال مالی از اسارت مردان می گریزند . یعنی می توانند روابطی متعادل با مردان برقرار کنند . دیگران ماجراهائی بی حاصل دارند .

سوال - شما از زن به عنوان « طبقه ای خیره » صحبت کرده اید . . .

سیمون دوبووار - من نگفتم طبقه ای خفیر . در کتاب « سکس دوم » یاد آور شدم که زن متعلق به يك کاست حقیر است . کاست یعنی انسان در گروهی متولد می شود و هرگز نمی تواند از آن خارج شود . در حالیکه اصولاً می توان از طبقه ای به طبقه دیگر انتقال یافت . وقتی شما زن هستید دیگر هرگز نمی توانید

مرد شوید. این یعنی يك كاست. و كاستی حقیر - وقتی می بینیم چه رفتاری در سطح سیاسی و اجتماعی و اقتصادی با زن می شود.

سؤال - بعضی از نهضت های زنان از این هم فراتر رفته است، مثلاً با توجه به کار درخانه که مجانی است و ارزش تبدیل ندارد، زنان را به عنوان طبقه ای مجزا از سایر طبقات موجود تعریف کرده اند، از نظر این نهضت ها، استثمار و استیلاي پدرسالاری تضادی بنیادی است نه فرعی. آیا شما با این طرز فکر موافقت می کنید؟

سیمون دوبووار - به نظر من تحقیقاتی که در این مورد شده کافی نیست. دلم می خواهد يك نثر کاری جدی در این باره انجام دهد. مثلاً ژولیت میشل در «مقام زن» نشان داده است که این مسئله چگونه مطرح می شود. ولی ادعا نمی کند که راه حل آنرا یافته است. یاد می آید وقتی با مبارزان نهضت آزادی زن روبرو شدم یکی از اولین سؤالاتم این بود که به نظر شما استثمار سرمایه داری و استثمار پدرسالاری چگونه در ارتباط با هم خود را تثبیت می کند؟ در وضع فعلی جواب دقیقی به این سؤال داده نشده است. دلم می خواهد در آینده روی این موضوع کار کنم. موضوع جالبی است.

ضمناً تجزیه و تحلیل هایی برای اثبات اینکه استثمار پدرسالاری سرمایه - داری معادل یکدیگرند شده است که به نظر من صحیح نمی آید. کار زن درخانه ارزش اضافی ندارد و وضع او با شرایط کاری که ارزش اضافی کارش در دیده می شود تفاوت دارد. دلم می خواهد بدانم رابطه واقعی این دو چیست. تمام خط مشی هایی که زنان باید تعقیب کنند بستگی به این موضوع ندارد. تأکید به روی کار مجانی درخانه صحیح است اما نباید فراموش کرد که بسیاری از زنان کار می کنند و خرج خود را درمی آورند و وضع آنها با زنانی که در چنگال خانه داری اسپرند تفاوت دارد.

سؤال - ولی وقتی زنی در خارج از خانه اش کار می کند مزد کمتری از يك مرد برای همان کار به او پرداخته می شود.

سیمون دوبووار - بله. راست است. مردها به طور کلی مساوی نیستند. به این موضوع باز خواهم گشت. نوع استثمار زن خانه دار با زن کارگر فرق دارد. در تمام کتابهایی که از کیت میلنت، ژرمن گریب یا فایرستون خوانده ام این موضوع به حد کافی مطرح نشده است.

سؤال - شما بعد از ۱۹۶۸ عملاً وارد مبارزه طبقاتی شده‌اید. اکنون مسئول يك مجله انقلابی هستید. در خیابانها رژه رفته‌اید، خلاصه وارد مبارزه شده‌اید. ارتباط میان مبارزه طبقاتی و مبارزه بین زن و مرد را چگونه می‌بینید؟

سیمون دوبووار - آنچه که واقعاً می‌دانم و باعث شد که نظر خود را بعد از انتشار «سکس دوم» تغییر دهم این است که مبارزه طبقاتی فی‌نفسه باعث ارتقاء مقام زن نمی‌شود. در تمام نظامهای اجتماعی چه کمونیست، چه تروتسکیست چه مائوئیست، مرد بر زن حاکم است. به همین دلیل حالا دیگر معتقد شده‌ام که زنان باید جنبش آزادی را شخصاً راه بیاورند و سرنوشت خود را به دست گیرند. حالا باید به طور خیلی جدی وضع جامعه را مطالعه کرد تا فهمید رابطه بین استثمار کارگر و استثمار زن چگونه است و از میان برداشتن نظام سرمایه‌داری تا چه حد شرایط بهتری برای ارتقاء مقام زن به وجود می‌آورد. این مسئله است که برای من روشن نیست. باید درباره آن مطالعه شود. فقط از یک چیز مطمئنم: از بین بردن نظام سرمایه‌داری یعنی خود به خود ایجاد شرایط بهتری برای ارتقاء مقام زن. ولی چنین وضعی هنوز به وجود نیامده است. و تا زمانی که خانواده پابرجاست حذف نظام سرمایه‌داری را از بین بردن و روشهای تولید را دگرگون کرد بلکه باید ساختمان خانواده را هم تغییر داد. این کاری است که حتی در چین هم نشده است. شکی نیست که خانواده فئودال از میان رفته و تغییرات بزرگی در شرایط خانواده داده شده است. ولی در زمینه ازدواج و روابط زن و شوهر که در بنیان میراثی از سنت پدرسالاری است زن چینی آزاد نشده است. کوششهایی از طرف زنان و حتی گاهی مواقع از طرف مردان شده است برای اینکه اجتماعات کوچک یا شکل دیگری از آن را جانشین خانواده کنند.

سؤال - پس می‌شود نتیجه گرفت که مبارزه بالاچاره شرایط زن را تغییر نمی‌دهد. ولی آیا به نظر شما مبارزه برای آزادی زن در حد بسیار پیشرفته و طرح مسئله جامعه و زن و مرد می‌تواند مبارزه طبقاتی را الزاماً حل کند؟

سیمون دوبووار - الزاماً نه. اگر خانواده و ساختمان آن از میان برداشته شود امکان زیادی هست که بنیاد سرمایه‌داری سست شود. ولی قبل از تعمق کافی در این مورد به خودم اجازه نمی‌دهم که بی‌گدار به آب بزنم. واقعاً نمی‌دانم از بین

بردن جامعه پدرسالاری که با جنبش آزادی زن شروع شده است تا چه حد می تواند نظام سرمایه داری و تکنوکراسی را از بین ببرد . اگر زنان مبارز ادعاهای وسیع و پیشرفته ای داشته باشند و بتوانند حرف خود را بر کرسی بنشانند در آن موقع شاید بشود گفت که این نهضت برای نظام موجود تهدیدی به شمار می آید . ولی باز هم برای تغییر روابط تولید و رابطه کارگر و کارفرما و روابط انسان ها کافی نیست . در این مورد تحقیق کافی نشده است و علش اینست که بیشتر زنانی که در جنبش آزادی زن فعال بوده اند زنانی بورژوا بودند که در سطح سیاسی مبارزه می کردند می جنگیدند تا حق رأی به دست آورند و در سطح اقتصادی هم دلشان به فرمول های مارکس خوش بود . می گفتند که سوسیالیسم روزی مستقر خواهد شد و تساوی بین زن و مرد با آن همراه خواهد بود . وقتی کتاب «سکس دوم» را نوشتم سخت یکه خوردم وقتی دیدم دست چپی ها تحویل نگرفتند . یادم هست با چند تروتسکیست بحث می کردم . به من می گفتند که مسئله زن بی مورد است و مطرح نمی شود . وقتی انقلاب صورت گرفت زنان در جای طبیعی خود مستقر خواهند شد . کمونیست ها هم با من مخالف بودند و مرا دست می انداختند . در مقالاتشان نوشتند که مسئله زن برای کارگران کارخانه بیان کورت کوچکترین اهمیتی ندارد . وقتی انقلاب صورت گرفت زن و مرد مساوی می شوند . اما از حالا تا انقلاب طرح مسئله زن بی مورد است . من هم امیدوار بودم که در کشورهای سوسیالیست وضع زن خیلی بهتر خواهد شد . ولی واقعاً چنین نشد .

سوال - بعد از انتشار «سکس دوم» به شما ایراد گرفته شده است که فقط به بیان وضع زن اکتفا کرده اید و راه مبارزه برای آزادی را تعیین نکرده اید .

روشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 سیمون دوبوووار - راست است . مواقعی در این کتاب هست . من در این کتاب امیدگنگی به آینده ندارم - به انقلاب و سوسیالیسم .

سوال - و امروز ؟

سیمون دوبوووار - امروز عوض شده ام . گفتم ، من یک مبارز واقعی برای آزادی زن شده ام .

سوال - به نظر شما امکانات عملی و واقعی آزادی زن ، به صورت فردی و جمعی ، کدام است ؟

سیمون دوبوووار - در سطح فردی مهم ترین نکته کار کردن و در صورت امکان اجتناب از ازدواج است . من می توانستم با سارتر ازدواج کنم . ولی فکر می کنم که هر دوی ما خیلی عاقل بودیم که چنین نکردیم . برای اینکه آدم وقتی

ازدواج کرد دیگران به او به عنوان آدمی که ازدواج کرده نگاه می‌کنند، و همین طور او به خودش. من فکر می‌کنم ازدواج برای زن خطرناک است. با وجود این هرزنی دلایل خودش را برای ازدواج دارد. مثلاً می‌خواهد بچه‌دار شود. و بچه‌هایی که پدر و مادرشان ازدواج نکرده‌اند همیشه گرفتار مشکلات زیادی هستند و اصولاً این کار خطرناکی در بر ندارد. اگر زنی می‌خواهد واقعاً مستقل باشد باید کار کند. باید حرفه‌ای داشته باشد. و این نصیحت من به همه زنان است. این یک شرط واقعاً لازم است. چون زنی که استقلال مالی داشت در صورت تمایل می‌تواند از شوهرش جدا شود. بچه‌هایش را بزرگ کند و موجودیت واقعی خودش را تثبیت کند. با وجود این تفصیل کار کردن علاج همه دردها نیست. چون کار کردن در عین حال که به آدم آزادی می‌دهد کسل‌کننده و بیگانه از ذات آدم نیز هست. در نتیجه زن با انتخاب بین دو امر ملول‌کننده روبروست: کار در خانه و یا کار در کارخانه. کار کردن واقعاً علاج درد نیست اما اولین شرط استقلال است.

سؤال - زنانی هستند که ازدواج کرده‌اند و بچه دارند، تکلیف آنها چیست؟

سیمون دوبوووار - برای بسیاری از زنان دیگر امکان زیادی نیست. سی و پنج سال دارند. ازدواج کرده‌اند، چهار تا بچه روی دستشان است و هیچ‌کار حسابی هم بلد نیستند. فکر نمی‌کنم اینها بتوانند برای رهایی خود کاری انجام دهند. تنها نسل جدید می‌تواند امیدهایی برای آزادی خود داشته باشد.

سؤال - آیا به نظر شما مبارزه زنان باید مبارزه‌ای فردی باشد یا برعکس در سطح جمع‌گسترش یابد؟

ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیمون دوبوووار - البته که باید جمعی باشد. من این کار را تا به امروز نکرده بودم چون نهضت و سازمانی وجود نداشت که با آن موافق باشم. ولی فکر می‌کنم که در عین حال نوشتن کتاب «سکس دوم» عملی بود که آزادی فردی من فراتر می‌رفت. من این کتاب را نوشتم چون توجه به شرایط کلی زنان داشتم. منظورم فقط بیان و تشریح وضع زن بود. بلکه مبارزه بود، کمکی بود به زنان برای درک خودشان. در این بیست سال گذشته زنان بسیاری به من نوشته‌اند که کتاب من کمک فراوانی به آنها کرده است. توانسته‌اند وضعیت خود را بشناسند. مبارزه کنند و تصمیم بگیرند. من همیشه آماده بودم تا به زنان برای رفع مشکلاتشان کمک کنم.

نقل از مجله نوول ایزرواتور
برگردان: گللی ترقی